

Original Article

The Legitimacy of the Contract of Hiring of Individuals in the Process of Technology Transfer and its Alignment with Islamic Ethics

Hojat Shafee¹, Majid Vaziri^{2*}

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Dr.Majid.Vaziri@gmail.com

Received: 13 Nov 2018 Accepted: 14 Apr 2019

Abstract

Background and Aim: Technology transfer is a process used to benefit from the scientific experiences of countries in development. The purpose of this study was to investigate the legitimacy of the lease contract in the process of technology transfer from the perspective of Islamic ethics.

Materials and Methods: This qualitative study was conducted using an analytical approach and using published texts, books and articles. After examining the legitimacy of the lease contract in the technology transfer process, its alignment with Islamic ethics was examined and analyzed.

Findings: The contract of hiring of individuals enjoys legal and Jurisprudence validity and legitimacy in Iranian and Islamic law. Legally, in the process of technology transfer, companies and foreign countries are recognized by the technology owner and its transferee as contractors who in the process of transfer do not own any of the manufacturing sectors and receive only wages for their activities, services and consultants. Economically, these causes benefit from both the benefits of technology and the protection of its ownership.

Conclusion: From the point of view of Islamic ethics, the lease agreement has considerable legitimacy for the technology transfer process, which demonstrates the compatibility of the law with Islamic jurisprudence and ethics; it can be a guarantee for the development of the country in the light of technology transfer.

Keywords: Islamic Ethics; Contract; Hiring of Individuals; Technology Transfer; Ownership

Please cite this article as: Shafee H, Vaziri M. The Legitimacy of the Contract of Hiring of Individuals in the Process of Technology Transfer and its Alignment with Islamic Ethics. *Bioethics Journal* 2019; 9(32): 61-72.

مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری و همسویی آن با اصول اخلاق اسلامی

حجت شفیعی^۱، مجید وزیری^{*۲}

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr.Majid.Vaziri@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: انتقال فناوری فرایندی است که جهت بهره‌گیری از تجارب علمی کشورها در امر توسعه به کار گرفته می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی ادله مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری از منظر اخلاق اسلامی انجام شده است. مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیلی و با استفاد از متون، کتب و مقالات منتشرشده انجام شده است. پس از بررسی مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری، همسویی آن با اصول اخلاق اسلامی بررسی و تحلیل شد. یافته‌ها: قرارداد اجاره اشخاص از اعتبار و مشروعیت فقهی و تقنینی در حقوق ایران و اسلام برخوردار است. از نظر حقوقی، در فرایند انتقال فناوری، شرکت‌ها و کشورهای خارجی مالک فناوری و انتقال‌دهنده آن به عنوان پیمانکار شناخته می‌شوند که در فرایند انتقال، مالک هیچ کدام از بخش‌های تولیدی نمی‌شوند و صرفاً اجرت فعالیت‌ها، خدمات و مشاوره‌های خود را دریافت می‌کنند؛ این امر به لحاظ اقتصادی هم باعث بهره‌مندی از منافع فناوری و هم حفظ مالکیت آن می‌گردد. نتیجه‌گیری: از منظر اخلاق اسلامی، قرارداد اجاره اشخاص مشروعیت قابل توجهی برای فرایند انتقال فناوری دارد و این مسأله نشان‌دهنده جامعیت و قابلیت حقوق با سازگاری فقه و اخلاق اسلامی است که می‌تواند ضامنی برای توسعه همه‌جانبه کشور در سایه انتقال فناوری محسوب شود.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی؛ قرارداد؛ اجاره اشخاص؛ انتقال فناوری؛ مالکیت

مقدمه

استفاده از فناوری، برای بشریت امری ناگزیر است و بسیاری از نیازهای مادی روزمره افراد را مرتفع می‌نماید. در این بین، برخی کشورها یا شرکت‌ها دارای فناوری‌های خاص و بعضاً منحصر به فردی هستند که کشورهای دیگر به استفاده از آنها نیاز دارند و چنانچه بخواهند مالک آن فناوری‌ها شوند، تنها دو راه پیش رو دارند: نخست این که خودشان اقدام به اختراع، اکتشاف و یا تولید فناوری نمایند که این امر بسیار زمان‌بر خواهد بود و با رسیدن آنها به فناوری مورد نظر، غالباً با پیشرفت علم، کارآیی آن فناوری از بین می‌رود؛ راه دوم این است که از طریق انتقال فناوری، نیازهای خود را با صرف هزینه‌ای متعارف و معقول و از طریق این فرایند پاسخ دهند. بدین معنا که فناوری را از کشورهای دیگر وارد کرده و همگام با آنها از مزایای فناوری بهره ببرند. بدیهی است که با توجه به پیشرفت چشمگیر فناوری، غلبه رویکرد تعامل در عصر ارتباطات و خاصیت فرامرزی فناوری، راه حل دوم نیز امری معقول و قابل انجام است. کشور ما نیز علی‌رغم داشتن منابع سرشار معدنی و نفتی و همچنین بازار مصرفی گسترده، نیازمند پیشرفت فناوری می‌باشد. بنابراین ما نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ناچار به انتقال فناوری هستیم. اما نکته‌ای که باید بدان توجه شود، نحوه صحیح انعقاد قراردادهای انتقال فناوری است. از طرف دیگر، قانونگذار تمایل دارد در قراردادهای انتقال فناوری دخالت داشته باشد (۱). همین امر نشان می‌دهد که قواعد فقهی و اخلاق اسلامی به عنوان مبانی حقوقی و تقنینی، نقش مهمی در چگونگی و مشروعیت قراردادهای انتقال فناوری ایفا می‌کنند. بنابراین اخلاق اسلامی به عنوان امری برگرفته از متون دینی، قواعد فقهی و سیره معصومین (ع) به عنوان چارچوبی کلی برای تبادل و انتقال فناوری ایفای نقش می‌کند.

آنچه از بررسی مکانیزم‌های علمی پیشنهادی برای انتقال فناوری به دست می‌آید، نشان‌دهنده آن است که اثربخشی هر یک از روش‌های انتقال فناوری به عواملی نظیر ماهیت فناوری مورد نیاز، توانایی و ظرفیت کشور گیرنده فناوری برای یادگیری و جذب دانش فنی فناوری بستگی دارد. بدین علت

روش‌های مختلف انتقال فناوری را می‌توان بر اساس «عواملی مانند اهداف انتقال‌دهنده و گیرنده فناوری، سطح ظرفیت مدیریتی و فناوری کشور گیرنده و سیاست صنعتی و راهبرد اتخاذشده توسط کشور گیرنده فناوری برگزید. بنابراین سیاستگذاران کشور گیرنده فناوری باید بدین مهم توجه نمایند که اثربخشی واردات فناوری، تحت تأثیر روش‌ها و مکانیزم‌های انتقال فناوری قرار می‌گیرد» (۲).

از طرف دیگر، بایسته‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی نیز وجود دارند که عدم توجه به آنها می‌تواند باعث ایجاد خساراتی برای طرف پذیرنده فناوری گردد. بنابراین در فرایند انتقال فناوری، رعایت اصول اخلاقی و هنجارهای حاکم بر طرفین نیز حائز اهمیت است. به عنوان مثال، برخی کشورها به دلیل تقابل‌های ایدئولوژیکی متعددی که با یکدیگر دارند، هرگز به قراردادهای فناوری به عنوان یک امر عادی در روابط دو طرف نمی‌نگرند. بدین ترتیب این مسأله مهم است که قراردادهای انتقال فناوری تا چه اندازه با معیارها و قواعد اخلاقی حاکم بر جامعه اسلامی سازگار هستند. بر این اساس، شناخت طرفین قرارداد در هر عقدی جزء اساس آن محسوب می‌شود. در قراردادهای انتقال فناوری باید نام و مشخصات طرفین قرارداد به طور دقیق و صحیح در آن نوشته شود و در این‌باره تفاوتی میان اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد. هویت طرفین انتقال، از یکسو و مشخصات کامل حقوقی آنها از سوی دیگر، از ابتدای شروع مذاکره، تا انتهای فرایند انتقال فناوری آثار فراوانی را به همراه دارد و برای طرفین قرارداد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

مطالعه پیشینه تحقیق با موضوع قراردادهای انتقال فناوری نشان می‌دهد، تحقیقاتی که در این‌باره انجام شده است، بیشتر با محوریت حقوق موضوعه ایران و تطبیق آن با قواعد حقوق بین‌الملل بوده است. در همین راستا، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری بر چه مواردی استوار است؟ و ضرورت‌های اخلاق اسلامی برای بهره‌گیری از قرارداد اجاره اشخاص کدام است؟ با توجه به ابتدای نظام جمهوری اسلامی بر قواعد اخلاق اسلامی و به تبع آن قواعد فقهی، ضرورت دارد

از: ابزار، دانش، نحوه استفاده و نظام استفاده (۷). مفهوم فناوری قلمرو گسترده‌ای دارد و در علوم متعددی تعریف می‌شود؛ اقتصاددانان در تعریف فناوری، بیشتر به جنبه تکنیکی فناوری توجه داشته و گفته‌اند که تغییر فناوری مستلزم اختراع تکنیک نوین یا جدیدی است. از این رو در این زمینه بین فناوری و تکنیک، تمایز قائل شده‌اند و تغییر تکنیکی را عبارت از تحولی می‌دانند که حاصل انتخاب روش خاصی از میان روش‌های بسیار است. فناوری پدیده‌ای است ساخت دست بشر و از دو رکن اصلی ساخت‌افزار و نرم‌افزار تشکیل شده است. ساخت‌افزار عبارت از هر گونه وسیله و ابزار مادی و نرم‌افزار عبارت از دانش شیوه انجام کار یا فوت و فن به کارگیری ابزارها می‌باشد. فناوری نیرومندترین عامل تحول در جامعه بوده و پیشرفت آن فزاینده، پیوسته و مداوم است. از آنجا که فناوری به عنوان هسته اصلی مجموعه نظام توسعه محسوب می‌گردد، لذا تغییرات آن بر همه ارکان و اجزای سیستم اثر می‌گذارد. از این رو فناوری ابزاری است که با توسعه و تغییر شکل مداوم خود جوامع را نیز پیوسته تغییر شکل می‌دهد (۸).

۱-۲- قرارداد (عقد): عقد یا قرارداد یکی از اعمال حقوقی است که آثار حقوقی بر آن مترتب و آن عمل برای رسیدن به این آثار حقوقی انجام شده‌است. تعاریف گوناگونی برای قرارداد یا عقد آن وجود دارد که به طور خلاصه می‌توان گفت عقد، عملی حقوقی است که به وسیله اراده دو طرف یا بیشتر جهت ایجاد اثر حقوقی شکل می‌گیرد. مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی، قرارداد یا عقد عبارتست از این که «یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آن‌ها قرار گیرد.» علی‌رغم این که در قانون مدنی ایران، این تعریف در مورد عقد یا قرارداد ذکر شده است، اما به گفته بسیاری از حقوقدانان تعریف مزبور مناسب به نظر نمی‌رسد. قانونگذار در این ماده، عقد یا قرارداد را مساوی تعهد دانسته است، در حالی که رابطه عقد و تعهد، رابطه علت و معلول است به این معنا که تعهد یکی از آثار عقد است (۹).

به طور کلی، نظر فقها درباره عقد بدین گونه است که عقد همان ارتباط دادن بین قرار یکی از دو طرف قرارداد با قرار

که ابعاد مختلف قراردادهای انتقال فناوری همانند قرارداد اجاره اشخاص از منظر اخلاق اسلامی مورد توجه قرار گیرد، همچنانکه کلیه احکام و روابط داخلی و خارجی در قوانین حقوقی ما بر مبنای احکام اسلامی و ضوابط فقهی وضع و تنظیم گردیده، لذا ضرورت دارد قراردادهای انتقال فناوری که جزء لاینفک پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آیند، از دیدگاه فقهی نیز مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. وجه افتراق این پژوهش با دیگر تحقیقات این حوزه در این است که سعی شده نقش قرارداد اجاره اشخاص به عنوان عقدی اسلامی در زمینه انتقال فناوری و همچنین ادله مشروع بودن آن در چارچوب اخلاق اسلامی مورد بررسی دقیق قرار گیرد. بنابراین قرارداد اجاره اشخاص علاوه بر تحلیل و بررسی حقوقی، از جنبه فقهی نیز تبیین می‌گردد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیلی و با استفاد از متون، کتب و مقالات منتشرشده انجام شده است. پس از بررسی مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری، همسویی آن با اصول اخلاق اسلامی بررسی و تحلیل شد.

۱- مفاهیم و تعاریف

۱-۱- فناوری: فناوری معادل واژه فارسی فناوری که از دو واژه (Techno) به معنای فن و هنر (Logy) به معنای علم و دانش است که ترجمه آن عبارت از «دانش فنی» است (۳). برخی محققین در تعریف فناوری می‌گویند: «فناوری عبارت است از دانش چگونگی انجام کلیه اموری که ارتباط تنگاتنگ با فعالیت‌های اقتصادی دارند» (۴). برخی دیگر معتقدند: «فناوری، دانش و توان انحصاری چگونه تولیدکردن یک محصول صنعتی جدید و یا دانش و توان انحصاری فرآیند تولید آن محصول یا ترکیبی از این دو می‌باشد» (۵). تعاریف دیگر از مفهوم فناوری وجود دارد که بیشتر به عناصر آن توجه دارند. مولر، اقتصاددان آلمانی با همین رویکرد، فناوری را مجموعه‌ای از دانش، فنون و سازماندهی تولید و محصول نهایی بیان می‌کند (۶). همچنین برخی دیگر، فناوری را دانش نظام‌یافته برای انجام یک عمل می‌دانند که عناصر آن عبارتند

در اصطلاح نیز اخلاق، به مجموعه صفات، ویژگی‌ها و رفتارهایی گفته می‌شود که رفتارهای انسان را در قالب مکتب و یا ایده خاصی تعریف می‌نمایند. در همین زمینه، استاد مطهری این‌گونه بیان می‌کند: «اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست... در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن؛ و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتار کردن مربوط می‌شود به اعمال انسان (البته شامل گفتار هم می‌شود) که چگونه باید باشد و چگونه بودن مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد» (۱۵). در این میان اخلاق اسلامی به مجموعه قواعد و ضوابطی گفته می‌شود که برگرفته از آموزه‌های دین اسلام است و از این جهت، شرایط خاصی را برای زیست انسان‌ها ارائه می‌دهد.

۲- ماهیت قرارداد در فقه شیعی

اسلام دینی سیاسی و اجتماعی است و از این جهت، شرایط خاصی را نیز برای قراردادها و عقود بیان کرده است. در فقه امامیه نیز تعاریف مختلفی در تبیین ماهیت حقوقی عقد ارائه شده است و فقها با استناد به به نصوص شرعی، کتب لغت و مراجعه به عرف، مفهوم اصطلاحی عقد را بررسی کرده‌اند. از آثار قدما و متأخران فقهای امامیه چنین استنباط می‌شود که عقد (قرارداد) «ایجاب مرتبط با قبول یا ایجاب مقترن با قبول است» (۱۶). بر این اساس حقیقت عقود، الفاظ و اقوال است و صورت بیرونی عقد که با ابراز اراده طرفین در قالب ایجاب و قبول تحقق می‌یابد، نقش مهمی ایفا می‌کند. علاوه بر آن عقد به معنای التزام نیست و التزام فقط لازمه عقلی و شرعی عقد و به تعبیر دیگر حکمی از احکام عقد است. صاحب جواهر (ره) نیز می‌فرماید: «عقد عبارت است از گفته طرفین عقد یا گفته یکی و فعل دیگری است آن هم به گونه‌ای که شارع اثر مقصود را بر آن بار کرده است» (۱۷). برخی دیگر از زعمای شیعه در تعریف عقد می‌فرمایند: «عقد، حیثیت ارتباط هریک از دو تعهد و ربط قراری به قرار دیگر است و عهد به معنای التزام نفسانی و جعل و قرار معاملی است» (۱۸)، هرچند که در تعاریف فقهای امامیه درباره عقد، اختلافاتی وجود دارد، اما به زعم برخی از محققین، «چنانچه تعاریف فقها را به نحوی

دیگری در «فضای اعتبار» آن‌هاست. «عقد خودش نقل یا انشا و یا اتمام است نه التزام به یکی از این‌ها. بلکه گاهی مفاد قرار در عقد، خود التزام است، مانند اجیرشدن شخصی برای کاری، زیرا واقع آن، التزام اجیر به انجام کار در مقابل دریافت مال است. این قرارداد گاهی مورد پذیرش عرف است که در نتیجه، صحیح عرفی خواهد بود و گاهی مورد پذیرش شارع است که از نظر شرعی صحیح خواهد بود. بنابراین در صدق عنوان عقد، مقبولیت عرفی یا شرعی معتبر نیست، اگرچه در صحت آن دخالت دارد» (۱۰). بنابراین قراردادهای جدید نیز در واقع همان پیوند یک اراده با اراده دیگر است که با هر ابرازکننده عقلایی محقق می‌شود و ادله شرعی نیز بر صحت این قراردادها دلالت دارند.

قراردادها در زمینه انتقال فناوری یکی از انواع قراردادها که به ترتیب دارای دو عنصر اساسی انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده می‌باشد. انتقال‌دهنده شخص حقیقی یا حقوقی است که مالک فناوری است و یا این‌که مالک فناوری نیست، لیکن به موجب قراردادی که با مالک دارد، حق انتقال فناوری را دارد. به عنوان مثال لیسانس‌گیرنده با این‌که مالک فناوری محسوب نمی‌شود، ولی می‌تواند در حدود قرارداد از طریق انعقاد قرارداد لیسانس یا دیگران، حق استفاده و بهره‌برداری از فناوری را به دیگران اعطا نماید (۱۱). همچنین انتقال‌گیرنده، شخص حقیقی یا حقوقی است که در قبال پرداخت مبلغی حق استفاده از فناوری را به دست می‌آورد. چنین شخصی ممکن است به منظور آغاز فعالیت یا توسعه فعالیت قبلی خود به تحصیل فناوری روی بیاورد. انتقال‌گیرنده ممکن است یک نهاد دولتی یا یک بنگاه خصوصی باشد (۱۲).

۳-۱- اخلاق اسلامی: اخلاق واژه‌ای عربی، بر وزن افعال

و جمع خُلُق است. «خُلُق» به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. «خُلُق» به معنای هیأت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند (۱۳). راغب در کتاب مفردات این دو واژه را در اصل از یک ریشه می‌داند. بنابراین می‌توان گفت: اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است (۱۴).

داشت. موسی (ع) گفت: لااقل می‌خواستی در مقابل این کار، مزدی بگیری.» آیه بعدی، در سوره مبارکه زخرف است که می‌فرماید: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ؛ آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از نظر درجات، بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند، بهتر است» (۲۰).

علاوه بر آیات قرآن کریم، در روایات نیز اجاره اشخاص مورد تأیید قرار گرفته است. بدین ترتیب در بیان مشروعیت اجاره اشخاص در سنت و روایات معصومین (ع) می‌توان به چندین روایت استناد نمود، از جمله حدیث شریف نبوی (ص) که می‌فرماید: «أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجْفَ عِرْقَهُ؛ پیش از آنکه عرق جبین اجیر خشک شود، اجرت او را پردازید» (۲۱). همچنین از امام صادق (ع) نیز روایت شده که می‌فرمایند: «هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، کسی را به اجاره نمی‌گمارد، مگر این‌که اجرت او را برایش معین و معلوم گرداند» (۲۲).

عقد اجاره یکی از مهم‌ترین عقود اسلامی است که می‌توان در زمینه قراردادهای انتقال فناوری از آن بهره گرفت، هرچند که می‌توان عقد اجاره را از نظر ساختار و کارکرد شبیه قرارداد بیع متقابل دانست، اما به هر حال باید این عقد را به صورت مستقل در زمینه قراردادهای انتقال فناوری بررسی نمود. به موجب ماده ۴۶۶ قانون مدنی «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر، مالک منافع عین مستأجر می‌شود. اجاره‌دهنده را مؤجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند.» حقوقدانان، اجاره را عقدی لازم، تملیکی، معوض، رضایی و موقتی می‌دانند (۲۳). برخی با استناد به بند ۳ ماده ۴۹۰ ق.م. معتقدند که هرچند در ماده ۴۶۶ به معوض بودن اجاره اشاره‌ای نشده است، اما اجاره عقد معوض است و

تفسیر کنیم که با هم قابل جمع باشند و با تجزیه و تحلیل درست، همه عناصر تشکیل‌دهنده ماهیت عقد را دربر گیرند، دیدگاه فقها یکسان می‌گردد و اختلاف مطرح‌شده در واقع اختلاف در تعبیر خواهد بود نه اختلاف در دیدگاه. گفتنی است که منشأ تفاوت این تعاریف این است که در مورد تعریف عقد و بیان ماهیت آن، دو رویکرد متفاوت در بین فقها وجود داشته است: نخست رویکردی که فقیه، عقد را سبب ایجاد حقوقی می‌داند و در این صورت، عقد به ایجاب و قبول تعریف می‌شود؛ دوم، رویکردی که فقیه به اثر و نتیجه عمل حقوقی توجه می‌کند و در این صورت عقد به «عهد مؤکد»، «التزام در مقابل التزام یا ربط دو التزام» و مانند آن تعریف می‌شود» (۱۹).

۳- قرارداد اجاره اشخاص و اخلاق اسلامی

۱-۳- ادله مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص: قاعده

اجاره اشخاص به عنوان یکی از انواع قراردادهای انتقال فناوری دارای مبانی نقلی و روایی متعددی در آموزه‌های دینی و اسلامی است که با دقت و بررسی در متون دینی می‌توان به مشروع بودن آن در نزد آیات و روایات حکم داد. برای مثال در قرآن کریم، آیاتی بیان شده است که می‌توان حکم به مشروع بودن قرارداد اجاره اشخاص را از آنان استنباط نمود. به عنوان مثال در یکی از آیات چنین می‌فرماید: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ؛ اگر فرزندان شما را شیر دهند، اجرتشان را پردازید» این آیه شریفه صراحتاً به موضوع اجاره اشخاص اشاره دارد. آیه دیگری که در مورد اجاره اشخاص بحث کرده، آیه ۷۷ سوره مبارکه کهف است که می‌فرماید: «فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَاراً يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا؛ اموسی و خضر (ع) باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند، از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند، ولی آنان از مهمان‌کردنشان خودداری نمودند، با این حال در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و آن مرد عالم آن را بر پا

اسلامی، وفای به عهد را مورد تأکید قرار داده است. به عنوان نمونه، آیه ۴ سوره توبه در این زمینه چنین می‌فرماید: «فَأْتِمُوا إِلَيْهِمْ وَعَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ؛ با اینان (مشرکین) به پیمان خویش تا پایان مدتش وفا کنید» (۲۰)، هرچند که از گفتار مورخان و بعضی مفسران چنین استفاده می‌شود که منظور از مشرکان در آیه فوق، گروهی از طایفه «بنی‌کنانه» و «بنی‌ضمهر» بودند که نه ماه از مدت پیمان ترک مخاصمه آن‌ها باقی مانده بود و چون به مواد پیمان وفادار مانده بودند و در تقویت دشمنان اسلام شرکت نداشتند، پیامبر (ص) تا پایان مدت نسبت به پیمانشان وفادار ماند (۲۸)، اما می‌توان از عموم این آیه شریفه نیز استنباط نمود که وفاداری به عهد و پیمانی که در آن تعیین وقت صورت گرفته و الزامی اخلاقی و عرفی است، چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در این‌باره می‌فرماید: «با هر کس پیمان مدت‌دار بسته‌اید، تا آن مدت وفادار بمانید و به پیمان هر کس بی‌مدت است، چهار ماه مهلت دهید» (۲۲). همین موضوع نیز در قرارداد اجاره اشخاص نیز مورد تأکید قرار گرفته است. هنگامی که با بیان شرایط و قواعد قرارداد میان طرفین، لزوم پایبندی به تعهدات مطروحه در آن به عنوان اصلی اساسی پذیرفته می‌شود. از این منظر، برای صحت عقد اجاره اشخاص شرایطی لازم است که عبارتند از: اهلیت اجیر، تعیین منفعت، تعیین اجرت (۲۹). بدین ترتیب اصل اساسی در عقد اجاره اشخاص و اخلاق اسلامی این است که طرفین قرارداد به آنچه تعهد کرده‌اند، وفا نمایند. به نظر می‌رسد این اصل درباره فرایند انتقال فناوری نیز می‌تواند مصداق پیدا کند، زیرا انتقال فناوری یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها در هر دوره‌ای است که از شرایط توسعه کشورها نیز به شمار می‌رود. باز در همین زمینه، آیه ۱ سوره مائده چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای خود! وفا کنید» (۲۰).

صاحب‌المیزان در تفسیر کلمه «العقود» می‌فرماید: «چون عقد (همان عهد) شامل همه پیمان‌های الهی و دینی که خدا از بندگانش گرفته می‌شود و نیز شامل ارکان دین و اجزای آن

مستأجر نیز در برابر موجر متعهد است که مال‌الاجاره بپردازد (۲۴).

در مجموع باید گفت فقهای عامه و امامیه، همگی بر مشروعیت عقد اجاره اشخاص اتفاق نظر دارند و هیچ‌گونه اختلافی در این زمینه وجود ندارد. صاحب تذکره‌الفقها می‌نویسد: «بین علمای اسلام در مورد جواز اجاره انسان هیچ اختلافی نیست» (۲۵). همچنین این رشد از فقهای اهل سنت می‌گوید: «اجاره عقدی جایز در بین همه فقیهان اعصار و در صدر اسلام بوده است» (۲۶). نکته قابل تأمل این است که منظور از اجاره در قراردادهای انتقال فناوری، «اجاره اشخاص» است و قانون مدنی به موجب مواد ۴۶۷ و ۵۱۲ اجاره اشخاص را معتبر دانسته و حقوقدانان، قوانین حاکم بر اجاره در هر سه نوع اجاره اشخاص، حیوان و اشیا را عمدتاً مشابه دانسته و جز در مواردی که در قانون بیان شده، احکام اجاره اشیا را نسبت به اجاره انسان و حیوان نیز ثابت بیان کرده‌اند (۲۷). با توجه به آیات و روایات متعدد می‌توان گفت قاعده اجاره اشخاص از مبانی قرآنی و روایی محکمی برخوردار است و به همین دلیل است که فقها نیز از این آیات به عنوان حکمی برای مشروع بودن قرارداد اجاره اشخاص در مناسبات اجتماعی و اقتصادی مؤمنان بهره می‌برند. همچنان که صاحب جواهر (ره) نیز در این زمینه می‌فرماید: «أَنَّهَا مَا شَرَعَتْ لِتَنْقِلَ الْمَنْفَعَةَ بَعْوَضٍ مِّنْ آخِرٍ؛ اجاره، چیزی است که برای انتقال منفعت به دیگری در مقابل عوض معین، تشریح شده است (۱۷).

۲-۳- اصول اخلاق اسلامی در قرارداد اجاره اشخاص:

دین اسلام دارای اصول اخلاقی متعددی است که هر کدام می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای زیست اخلاقی بشر تلقی گردد.

در ادامه به اصول اساسی اخلاق اسلامی در قراردادهای اجاره اشخاص پرداخته می‌شود:

۱-۲-۳- وفای به عهد: یکی از اصول اخلاق اسلامی وفای

به عهد است که به طریق اولی در قراردادهای انتقال فناوری نیز مصداق پیدا می‌کند. در حیطة تعامل با دیگران که امروزه با عنوان قراردادهای بین‌المللی نیز شناخته می‌شوند، اخلاق

جهت شبه‌های در آن وجود ندارد. این موضوع هم در مورد تعیین مدتی که اجیر باید کار کند (ماده ۵۱۴، ۵۱۵ و ۹۶۰ ق.م.و) و هم تعیین کاری که اجیر باید انجام دهد، مشخص است (۳۲) و از این منظر نمی‌تواند باعث کاهش تعهدات طرفین در قرارداد انتقال فناوری گردد. به این دلیل که در عقد اجاره اشخاص نیز طرف مستأجر (کارفرما) طرف دیگر (پیمانکار) را اجیر می‌نماید تا در قبال تملیک منفعت حاصل از خدمات وی در موضوع مورد اجاره، اقدام به پرداخت اجرت (حق‌الزحمه) به او در طی مدت زمان مندرج در عقد بنماید (۳۳).

۳-۲-۳- پرداخت حق مشخص به طرف قرارداد: یکی دیگر از اصول اخلاق اسلامی که در قرارداد اجاره اشخاص نیز نمود می‌یابد، پرداخت حق مشخصی برای طرف قرارداد (در اینجا انتقال‌دهنده فناوری) است که در ازای خدمات وی ارائه می‌گردد. شهید ثانی (ره) در تعریف عقد اجاره می‌فرماید: «عقد اجاره، تملیک منفعت در مقابل عوض مشخص است» (۳۴). به طور مشخص، منفعت تملیک‌شده در عقد اجاره اشخاص، همان تعهدات کاری پیمانکار است که به موجب این قرارداد در مثال قراردادهای نفتی، شرکت ملی نفت ایران از منافع حاصل از خدمات مالی، تجهیزاتی و فنی پیمانکار بهره‌مند می‌شود، در حالی که قرارداد انتقال، قراردادی عهدی است و این مدعا به ویژه در موردی صادق است که موضوع انتقال مال غیر ملموسی نظیر دانش فنی باشد. بنابراین منظور از تملیک و تملک در قراردادهای انتقال فناوری به معنای آن در قانون مدنی نمی‌باشد.

قرارداد ساخت، بهره‌برداری و انتقال فناوری را شبیه به اجاره می‌دانند و محور اساسی در این نوع قرارداد را یا بر پایه تمکین طرف دوم در استفاده از زمین مملوکه طرف اول در مدت زمان معین و برای ساخت پاره‌ای از تأسیسات و استفاده از آن و در نهایت انتقال آن به طرف اول پس از پایان مهلت مقرر استوار دانسته و یا عبارت از اعطای حق امتیاز ساخت یک پروژه و بهره‌برداری از آن و سپس تحویل پروژه به طرف اول است، مشروط بر آنکه عوض قرارداد، همان اقدام به اصلاح و ساخت در هر دو احتمال باشد (۳۵). روشن است که منظور

چون توحید و نبوت و معاد و سایر اصول عقاید و اعمال عبادتی و احکام تشریحی و امضایی و از آن جمله شامل عقد معاملات و... می‌شود و چون لفظ «العقود» جمع مُحَلّی به الف و لام است، لاجرم مناسب‌تر و صحیح‌تر آن است که کلمه عقود در آیه را حمل کنیم بر هر چیزی که عنوان عقد بر آن صادق است. با این بیان روشن می‌شود که معنای خاصی که بعضی از مفسرین برای عقد کرده‌اند صحیح نیست و بر هیچ یک از آن‌ها دلیلی از ناحیه لفظ آیه نیست، علاوه بر این که ظاهر جمع محلی به الف و لام عمومیت را می‌رساند و نیز مطلق آمدن عقد که در عرف شامل همه عقود می‌شود از این وجوه نمی‌سازد (۳۰). بنابراین تمسک به عموم این آیه نیز به ما نشان می‌دهد که خداوند متعال به وفای به عهد تأکید دارد و این مورد می‌تواند شامل قراردادهای بین‌المللی نیز باشد.

اخلاق اسلامی به دلیل آنکه بر مبنای قاعده نفی سبیل و عدم تسلط کافران بر مسلمانان نیز تأکید می‌کند، جایگاه خاصی به قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری می‌دهد. به دلیل آنکه در قرارداد مزبور، تنها در ازای پرداخت اجرتی به انتقال‌دهنده، خدماتی از وی دریافت می‌شود. مصداق قاعده نفی سبیل آیه ۱۴۱ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است» (۲۰). در همین راستا و مطابق آیه شریفه فوق، اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز مقرر داشته است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.» همین امر در قراردادهای انتقال فناوری نیز دیده می‌شود. هنگامی که عموماً در این قراردادها ذکر می‌شود که این قرارداد فقط در جهت استفاده طرف قرارداد صورت گرفته است و او به هیچ وجه حق انتقال آن را به طور غیر مستقیم و یا از طریق قراردادهای فرعی و دست دوم ندارد (۳۱).

۳-۲-۲- تعیین منافع از سوی دو طرف: در عقد اجاره به مثابه یک اصل اخلاق اسلامی، تعیین منافع از سوی دو طرف (انتقال‌گیرنده و انتقال‌دهنده) کاملاً مشخص است و از این

است، حصول نتیجه و انجام کاری است که بتواند گرهی از مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی را حل نماید، در غیر این صورت، انتقال‌دهنده فناوری به ابزاری برای سلطه بر جامعه اسلامی تبدیل می‌شود که خود می‌تواند مصداق نقض اصل استقلال و قاعده نفی سبیل تلقی شود. در همین راستا، به عقیده برخی، دو تعبیر از انتقال فناوری وجود دارد. در یک تعبیر، منظور از انتقال فناوری عبارت است از به کارگیری و استفاده از فناوری در مکانی به جز مکان اولیه ایجاد و خلق آن. طبق این تعریف، انتقال فناوری فرایندی است که باعث جریان‌یافتن فناوری از منبع به دریافت‌کننده آن می‌شود. در تعبیر دیگر، منظور از انتقال فناوری، جذب و تحصیل فناوری توسط گیرنده فناوری می‌باشد. در این نگاه، صرف جا به جایی مکانی برای انتقال فناوری کافی نیست و فناوری باید در حقیقت به گیرنده منتقل شود، به طوری که او بتواند مثل واگذارنده، توانایی ساخت محصول یا اجرای فرایند با همان کیفیت اولیه را به دست بیاورد (۳۸). بنابراین اصل اخلاقی در قرارداد اجاره اشخاص این است که به رفع مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی منجر شود و از طرفی دیگر، زمینه سلطه دیگران را بر جامعه اسلامی را نیز از بین ببرد. نکته مهم در این بحث این‌که چنانچه قائل به اجاره‌بودن قراردادهای انتقال فناوری باشیم، مهم‌ترین اثر حقوقی چنین عقدی این است که پیمانکار (اجیر) بر هیچ کدام از بخش‌های تولیدی استحقاق مالکانه ندارد و تنها مستحق دریافت اجرت بابت خدمات ارائه شده می‌باشد. همچنین یکی دیگر از استلزامات اخلاقی اجاره اشخاص این است که فناوری وارد شده می‌بایست قابلیت استفاده در عمل را داشته باشد. همچنین در قرارداد اجاره اشخاص به شرط مؤثر بودن، اجرت انتقال‌دهنده فناوری پرداخت می‌شود. بنابراین اولویت‌سنجی نیازها و توجه به اصول قرارداد اسلامی از جمله بهره‌گیری از قرارداد اجاره اشخاص تا حدود زیادی می‌تواند مشکلات ناشی از فقدان فناوری را در جامعه اسلامی برطرف سازد، هرچند امروزه، استفاده از فناوری انتقال‌یافته به عنوان ابزاری لازم، ولی غیر کافی جهت نیل به اهداف اقتصادی و تحصیل دستاوردهای مطلوب صنعتی برای کشورهای در حال توسعه، امری اجتناب‌ناپذیر است. در واقع

از امتیاز در قرارداد اجاره اشخاص در زمینه انتقال فناوری، پرداخت حق‌الزحمه و خدماتی است که طرف انتقال‌دهنده انجام می‌دهد. این موضوع نیز در راستای اصول اخلاق اسلامی جهت اعطای حقوق طرف انتقال‌دهنده فناوری در ازای خدمات ارائه‌شده از سوی وی است، چنانچه مطابق اصل ۸۱ قانون اساسی: «امتیاز، مجوزی است که از سوی دولت به شخص یا اشخاصی برای بهره‌برداری و تحصیل منفعت از امکانات و منابع داده می‌شود. این مجوز برای ایجاد و احداث کارخانه یا استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی صادر می‌گردد و در نهایت منفعت آن به امتیازگیرنده یا امتیازدهنده تعلق خواهد گرفت» (۳۶).

۴-۲-۳- سلب حق حبس از سوی عامل: اصول اخلاقی دیگر که حاکم بر قرارداد اجاره اشخاص در زمینه انتقال فناوری است، سلب حق حبس از سوی عامل است، چنانچه هم منابع فقهی و هم منابع قانونی در این زمینه چنین بیان می‌کنند: «در عقد اجاره اشخاص، عامل در جعاله حق حبس ندارد، زیرا عامل زمانی مستحق جُعَل (اجرت) می‌گردد که تعهد خود را انجام داده باشد» (۳۴). همچنین با توجه به ارکان مذکور در عقد اجاره اشخاص، برخی از محققین این عقد را در چارچوب قرارداد «بیع متقابل نفتی» نیز قابل شناسایی دانسته‌اند و با توجه به آنکه در هر دو نهاد حقوقی مذکور، یک طرف (مستأجر یا کارفرما) طرف دیگر (اجیر یا پیمانکار) را به منظور استفاده از خدمات وی در مقابل پرداخت اجرت (حق‌الزحمه) به استخدام درمی‌آورد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که این دو نهاد به لحاظ ماهیت و ساختار مشابه یکدیگر می‌باشند. گفتنی است قرارداد بیع متقابل رویکردی مشابه عقود اجاره اشخاص با تعهد به نتیجه دارد. بدین‌معنا که شرط بازپرداخت هزینه‌های عملیاتی و نیز حق‌الزحمه پیمانکار از طرف کارفرما دستیابی به نتیجه مورد نظر قرارداد می‌باشد (۳۷).

۵-۲-۳- استقلال در تصمیمات و اداره جامعه اسلامی: قواعد اخلاق اسلامی در عین تأیید تعامل و تبادل با دنیا، بر اصل استقلال در تصمیمات و اداره جامعه اسلامی تأکید می‌کنند. از این جهت در قرارداد اجاره اشخاص آنچه مهم

اعتبارسنجی فقهی قراردادهای انتقال فناوری، عقد «اجاره اشخاص» است، زیرا عقد مزبور، علاوه بر اعتبار و مشروعیت فقهی و تقنینی که در حقوق ایران و اسلام دارد، این اثر حقوقی را نیز به همراه دارد که در فرایند انتقال فناوری، شرکت‌ها و کشورهای خارجی مالک فناوری، که طرف قرارداد هستند، به عنوان پیمانکار (اجیر) شناخته می‌شوند و در فرایند انتقال، مالک هیچ‌کدام از بخش‌های تولیدی نمی‌شوند و صرفاً اجرت فعالیت‌ها، خدمات و مشاوره‌های خود را دریافت می‌کنند و این امر، مطلوب قانونگذار و نظام اسلامی در زمینه‌های اقتصادی می‌باشد که بتوان هم از منافع فناوری بهره برد و هم با حفظ مالکیت آن، سلطه بیگانه را بر منافع ملی از بین برد.

انتقال فناوری زمانی تحقق می‌یابد که دریافت‌کننده بتواند آن را در راستای نیازهای خود به کار گیرد و نیازهایش را برآورده نماید (۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مشروعیت قرارداد اجاره اشخاص در فرایند انتقال فناوری و همسویی آن با اصول اخلاق اسلامی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرارداد اجاره اشخاص در منابع قرآنی و روایات دینی اعم از شیعه و سنی دارای مبانی استواری است. از این رو می‌تواند در چارچوب جامعیت و به‌روبودن فقه اسلامی، پاسخگوی مشکلات جامعه اسلامی در زمینه انتقال فناوری از سایر کشورها تلقی گردد. مهم‌تر از همه، قرارداد اجاره اشخاص با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه اسلامی همخوانی دارد و حتی در این زمینه نوعی اجماع عقلی میان فقهای امامیه و عامه وجود دارد. قرارداد اجاره اشخاص به دلیل ملاحظاتی که در زمینه استقلال جامعه اسلامی، پرداخت اجرت انتقال‌دهنده فناوری، در نظرگرفتن قاعده نفی سبیل، تعامل با دنیا، بهره‌گیری از آثار و نتایج فناوری در عمل، مرتفع‌کردن برخی مشکلات جامعه اسلامی در فرایند توسعه و کمک به تسهیل پیشرفت در جامعه اعمال می‌کند، تابع اصول کلی اخلاق اسلامی است. از این رو می‌تواند در زمینه انتقال فناوری مورد توجه مسؤولان بالادستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و فناوری قرار گیرد.

از جهت دیگر، به منظور تأکید بر اعتبار عقد اجاره اشخاص باید گفت که این نوع از اجاره همواره نزد عقلا نیز پذیرفته بوده است، چراکه همگان تخصص انجام هر کاری را ندارند و عقل سلیم حکم می‌کند که از باب رجوع به اهل‌خبره، افراد برای پیشبرد امورات و مسائل خود از تخصص و نیروی کار دیگران استفاده کنند، البته باید در این مورد، کارمزد و اجاره کار وی را نیز به‌تمامه پرداخت نمایند. بنابراین با بررسی ماهوی عقد اجاره اشخاص در فقه و حقوق اسلامی، درمی‌یابیم که این عقد دارای اعتبار و مشروعیت است و می‌توان از آن به عنوان یک قالب مناسب برای قراردادهای انتقال فناوری بهره برد. از این منظر، مناسب‌ترین عقد برای

References

1. Mandegari M. Contractual Transfer of Technology in International Trade Law. Ph.D Thesis. Tehran: University of Tehran; 2011. [Persian]
2. Servati Beiraq S. Legal aspects of foreign investment in technology transfer in Iran [Master thesis]. Tehran: Payame Noor University; 2010. [Persian]
3. Bagherinezhad J. Technology transfer process. *Karafarin Quarterly Journal* 2001; 7(2): 33-51. [Persian]
4. Akhlaghi B, Biabangard H. Technology and its place in foreign investment. *Journal of Modares* 2000; 4(4): 17-34. [Persian]
5. Ehsanifrooz M. Technology transfer contract. Tehran: Dadgostar Publications; 2011. p.48. [Persian]
6. Faghieh N. Some countries' experiences in technology transfer and development. *Economic Political Information* 2014; 5(46): 41-58. [Persian]
7. Majidi A. The aspects of incorrect application of software, (Proceedings of the second seminar of science and technology and development). Tehran: Amirkabir Publications; 2011. p.51-53. [Persian]
8. Sharif MN. Technology transfer management and development. Translated by Aslani R. Tehran: Publications Ministry of Planning and Budget, Center for Social Economic Documents; 1988. p.70.
9. Imami H. Civil rights. Tehran: Islamiyah Publications; 2004. p.22-31. [Persian]
10. Hadavi Tehrani M. Conditions of new contracts and agreements in Islamic jurisprudence. Tehran: Publications Monetary and Banking Research Center for Central Bank of the Islamic Republic of Iran; 2009. [Persian]
11. Zaree A, Mokhtari M. Patterns of Technology Transfer Contract. *Encyclopedia of Law and Politics* 2013; 9(20): 11-26.
12. Mahmoudi A. Technology Transfer Contract Rights. Tehran: Publications Javedaneh; 2014. [Persian]
13. Mesbah Yazdi M. Ethics philosophy. Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research; 2015. p.19. [Persian]
14. Ragheb Esfahani H. Daro al-shamieh. Edited by Davoudi S. Beirut: Lebanon; 2004. p.297.
15. Motahari M. Introduction to Islamic sciences (Practical Wisdom). Tehran: Sadra Publications; 1998. p.21. [Persian]
16. Najafi M. Tahrir al-Majallah. Tehran: Publications School of al-Najah; 2001. p.61-63.
17. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Beirut: Publications Darol Ehya al-Tarath al-Arabia; 2000.
18. Tabatabaei Yazdi MK. Hashiyata al-Makasib. Tehran: Publications Ismaeilian; 1989. p.32.
19. Mohaghegh Damad M. The rights of contracts in Imamiyah jurisprudence. Tehran: SAMT Publications, 2010. p.91. [Persian]
20. The Holy Quran. Talagh: 6; Kahaf: 77; Zokhroph: 32; Towbeh: 4; Maedah: 1; Nesaa: 141.
21. Asghalani I. Fath al-Bari; Correct description of al-bokhari. Damascus: Dar al-Riyān Leltoras; 1986. p.76-78.
22. Kolleini M. Kafi principles. Tehran: Publications School of Ala'lam al-Islamyah; 2002. p.59.
23. Katoozian N. Period of contract. Tehran: Publications Sherkat Sahami Enteshar; 2011. p.13.
24. Bayat F. Comprehensive description of Civil Law. Tehran: Publications Arshad; 2018.
25. Helli H. Tazkerat al-Foghaha. Qom: Publications Al-e-Bait Institute; 1993. p.21.
26. Ibn-e-Roshd M. Badayat al-Mojtahed va nahayat al-Moqtased. Cairo: Dar al-Hadith; 2004. p.20.
27. Shahidi M. Civil Rights. Period of contract. Tehran: Publications Majd; 2012. p.85. [Persian]
28. Tabarsi FH. Majmaol-Bayan in Interpretation Quran. Qom: Publications Bayan Javan; 2011.
29. Katoozian N. General law. Tehran: Publications Mizan; 2012. p.359. [Persian]
30. Tabatabaie MH. Almizan in Interpretation Quran. Qom: Islamic Publications; 1998.
31. Ebrahimi N, Khoshchereh F. Use, Transfer and development of technology in the upstream oil and gas industry Iran. *Medical Law Journal* 2015; 1(9): 65-103.
32. Katoozian N. Period of contract. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar; 2011. p.13. [Persian]
33. Yousefzadeh M. Civil rights 6: Modal contracts. Tehran: Publications Public Joint Stock Company; 2011. p.46-48. [Persian]
34. Shahid Sani Z. Al-Rouza al-Bahiyah fi sharh-e al-Lamee al-Dameshqiah. Beirut: Publications Encyclopedia of Press; 2009. p.14-16.

35. Torabi M, Tavakoli MR. Construction Contract. Exploitation and transfer from the Jurisprudential Perspective. *Jurisprudential Research* 2010; 1(1): 24-64. [Persian]
36. Khazaie H. Foreign Investment in Iran and Article 81 of the Constitution. *Magazin Legal Justice* 1992; 2(4): 97-117. [Persian]
37. Akhavan M. Mutual sale agreement on the development of phases 2 and 3 of South Pars Gas Field in terms of incomplete contracts. *Iranian Energy Economics* 2014; 4(3): 113-129. [Persian]
38. Kahrizi B. Technology transfer contracts [Master thesis]. Kermanshah: Islamic Azad University; 2014. [Persian]